

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۷۱-۲۵۱

شبهه‌یابی مقررات ارث در اسلام و مقارنه آن با سایر ادیان

جلال محمد ملا^۱

سید مهدی صالحی^۲

رضا نیکخواه سرنقی^۳

چکیده

شناخت نقاط مورد شبهه و سوال و ابهام در هر موضوعی اولین قدم در استحکام فکری آن موضوع است که با این روش به پاسخ‌دهی مناسب آن شبهه هم دسترسی پیدا شود. حوزه مباحث ارث که به آن علم فرایض هم گفته میشود از این مسئله مستثنا نیست. چرا که علم فرایض از با ارزش‌ترین و بلندپایه‌ترین دانش‌ها می‌باشد. زیرا قرآن آن را به عنوان (وَصِيَّةٌ مِّنَ اللَّهِ)، سفارشی از سوی خدا، قلمداد کرده و پیامبر به یادگیری و آموزش آن سفارش نموده است.

علم فرایض دارای اهمیت فراوانی است چون پیامبر ﷺ آن را نصف علم قرار داده و جزو علمی است که زودتر از علوم دیگر فراموش شده و از مردم ستانده می‌شود. در خصوص علم فرایض و چگونگی تقسیم ارث و مقررات مرتبط با آن در اسلام و نیز سایر ادیان سوالات و ابهامات و پرسشهای متعددی مطرح و شبهاتی ایجاد گردیده است که در مقاله پیش رو با شیوه توصیفی - تحلیلی به شبهه‌شناسی آن در اسلام و نیز مقارنه آن با سایر ادیان پرداخته شده و به ابهاماتی و شبهاتی پاسخگو بوده است.

واژگان کلیدی

شبهه‌شناسی، ادیان، ارث، اسلام، مارکسزیم.

۱. دانشجوی دکتری، حقوق خصوصی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ایران.

Email: JalalraZani2024@gmail.com

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: drmahdisalehi@yahoo.com

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

Email: rnsj_nikkhah@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۷ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۰/۸

طرح مسأله

علم میراث و اهمیت و همچنین میراث در ادیان آسمانی مثل یهودیت و مسیحیت و غیر آسمانی مثل بودایی ها و هندوها و ارث و اسباب آن در شبه جزیره عرب قبل از اسلام و در نظام سویالیستی مارکسیزم دارای مباحث چالشی است، و نیز تطبیق آن با فلسفه اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار است، و همزمان باید به شبهات ملحدان و حامیان آنها نسبت به فلسفه اسلامی در تقسیم ارث پاسخ داد.

اهمیت میراث شناسی: یکی از مواردی که در مورد اهمیت میراث شناسی گفته شده، این است که این موضوع به ترکه اموال دنیوی مربوط می شود. مال و ثروت محل توجه و چشم داشت مردم است از این رو اهمیت توجه به آن در ادیان و تمدن های پیشین ریشه ای تاریخی دارد.

اهمیت میراث شناسی در اسلام آنجا روشن می شود که پس از شناخت ارکان دین، یکی از مهمترین علم ها می باشد.

برای بیان مسئله، شبهه افکنی خاورشناسان و اذنباشان در خصوص تعصیب زنان به مذکرهای مذکور در اولین منبع تشریح اسلامی، یعنی قرآن. آنان قانون ارث دهی اسلامی را مورد هجمه خویش قرار داده و آن را به میز نقد و تیر و تشر زبانی خود کشیده اند و ادعا می کنند که زن در اسلام مظلوم است، این امر مستلزم تحقیق و تعمق است تا شبهات آنان باطل شود که روح بسیاری از مسلمانان را تحت تأثیر قرار داد و باعث متزلزل شدن ایمان آنها شد.

ضرورت انجام تحقیق، ضرورت این تحقیق در بسیاری از سموم و شبهات نادرست در مورد نحوه تقسیم اموال در شرع ظاهر می شود، شبهه ظلم اسلام به زن در ارث گریبان بسیاری از مسلمانان را گرفته است مخصوصاً زنان، زیرا معتقدند قرآن وقتی نصف جنس مذکر را به آنها داده است به آنها ظلم کرده است، اما حقیقت اینگونه نیست.

سؤالات تحقیق، پژوهشگر تلاش میکند که به سوالات زیر پاسخ دهد:

۱. تقسیم اموال در اسلام چگونه است؟.

۲. ادیان یهودی و مسیحی چگونه با تقسیم املاک برخورد کردند؟.

۳. ادیان غیر آسمانی مثل بودیسم و هندوئیسم چگونه اموال را تقسیم کردند؟.

۴. دیدگاه مارکسیستی درباره تقسیم اموال مردگان چیست؟.

۵. آیا اسلام نسبت به زنان در تقسیم اموال بی انصافی کرده است؟.

بیان فرضیه

۱. اندیشه ورزی در آیات فقهی قرآن کریم و احادیث شریف نبوی مربوط به این موضوع به عنوان دو منبع اساسی در طی گذشت دوران های مختلف.

۲. در اثنای این تحقیق، ترکه انسان پس از فوتش معلوم می گردد؛ زیرا علم ها دو قسمتند: قسمی به حیات انسان می پردازد و قسمی دیگر به حیات پس از مرگ او. ما در سایه این علم از همه چیزهایی که به ترکه مربوطند، آگاه می شویم؛ چیزهایی مانند حق و سهم همه وارثان و هر کسی که حق ارث گیری دارد و کسی که حق ارث گیری ندارد، و همچنین مانند حجب، منع، رد، تعصیب، میراث جنین و دیگر مسائلی که فقط از طریق این علم می توان به آن رسید.

۳. دانش قواعد فقهی در کنار تلاشها و خدمات ارزنده ای که به آن شده، باز هم به خدمت و توجه بیشتری نیازمند است؛ زیرا کتاب های فقهی حاوی بسیاری از قواعد و ضوابط فقهی هستند که در بطن آنها پخش و پراکنده شده است. گاهی بعضی از پژوهشگران از آن ها غافل می شوند، بویژه آن مسائلی که به علم فرائض مربوط هستند. لذا احساس نیاز شدید می کنیم به اینکه باید آشکار و نمایان شوند.

۴. مشارکت جدی در خدمت کردن به پروژه ای فقهی که به نوعی پیچیده، ریشه دار و نظر پرداز است.

۵. نشان دادن بی عدالتی زنان در ارث غیر اسلامی مثل یهودیت، مسیحیت، بودیسم، هندوئیسم و مارکسیسم.

۶. پاسخ و رد این شبهات نادرست موروثی اسلامی از طرق علمی و منطقی.

روش شناسی بحث، روش تحقیق عبارت است از روش ارائه و مقایسه به صورت علمی و منطقی با حفظ تمامیت علمی.

و برای اشاره به ساختار مقاله محقق تحقیق خود را در این زمینه سازماندهی کرد:

۱. ارث در آدیان آسمانی و غیر آسمانی
- ۱-۱. ارث در آدیان یهودیت و مسیحیت
- ۱-۲. ارث در آدیان غیر آسمانی (بودیسم و هندوئیسم).
- ۱-۳. میراث قبل از اسلام در شبه جزیره عرب:
- ۱-۴. نظام ارث در فکر مارکسیزمی:
۲. فلسفه میراث در اسلام و تاثیراتش و انتقاد ملحدان از نظام ارث اسلامی و پاسخ‌ها:
 - ۲-۱. فلسفه میراث در اسلام:
 - ۲-۲. تاثیر های نظام میراث اسلامی:
 - ۲-۳. انتقاد ملحدان و حامیان آنها از نظام ارث اسلامی و پاسخ‌ها.

آثار مشابه

در محدوده مطالعه من از نشریات و پرس و جو از متخصصان، این عناوین مشابه را یافتم:

۱. بررسی ارث زن در قانون و عرف ایران و هندوستان، مقاله ای نویسندگان امیر سالارزایی دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، و مینا صابر دوست دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، منشور است در نشریه (مطالعات شبه قاره) دانشگاه سیستان و بلوچستان، دوره ۶، شماره ۱۸ - شماره پیاپی ۱۸ سال ششم، شماره هجدهم، بهار ۱۳۹۳ صفحه ۴۹_۷۰، این مقاله به مقایسه ارث زنان بین قوانین ایران و هند پرداخته است، در حالی که مقاله من به فلسفه وراثت در ادیان الهی و پوزیتیویستی اشاره کرده و شبهات را رد کرده است.
۲. مقاله (فلسفه تفاوت ارث زن و مرد در اسلام) نویسنده: عسکری اسلامپور کریمی در مجله پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ شماره ۳۵، نویسنده کرامی فقط به تفاوت زن مرد در شریعت اسلامی اشاره کرد.
۳. مقاله (بررسی تطبیقی موجبات ارث در فقه امامیه با دین یهود)، نویسنده علی قلبی رشیدی و سید حسام الدین حسینی، در فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی، تاریخ

انتشار: ۳۱/۰۶/۱۴۰۲، تفاوت آن با مقاله من در این است که مقصود آن فقط مقایسه ارث بین امامیه و یهودی است.

بررسی نظام ارث از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی، علی احمد سلامی نذیر احمد، و کاظم مسعودی کبودان، دو فصلنامه، مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، دانشگاه و مذاهب، دوره ۱، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱، شهریور ۱۴۰۰، صفحه ۱۶۹_۱۹۸، این مقاله صرفاً بر آن است تا تفاوت‌های مذاهب اسلامی را بیان کند.

مقاله من با آنچه ذکر شد متفاوت است، در مورد تفاوت‌های بین ادیان آسمانی اسلامی و یهودیت و مسیحیت، و غیر آسمانی، مثل بودیسم و هندوئیسم، و همچنین نظریه مارکسیستی، و همچنین رد شبهات در مورد وراثت زنان صحبت می‌کند.

۱. ارث در ادیان آسمانی و غیر آسمانی

۱-۱. ارث در ادیان آسمانی (یهودیت و مسیحیت)

اول: دیانت یهود: پس از آنکه خداوند موسی علیه السلام را با هدایت و دین حق فرستاد و تورات را بر او نازل کرد، نویسندگان و بدعت گزاران، تورات را تحریف کردند و شریعت نازل شده بر موسی را تغییر دادند و خرافات و امور باطل را جایگزین آن کردند که تحت تأثیر تمدن بابل و آشوریان و مصریها قرار گرفته بودند. بسیار طبیعی بود که این جوامع که مرد را بر زن ترجیح می‌دادند، بر تفکر یهودیت تأثیر بگذارند. احکام وراثت در میان یهودیان برگرفته از کتاب مشنا و تلمود و کتاب اعداد، فصل بیست و هفتم عهد عتیق، در داستان دختران صلاحفد از قبیله منسی بن یوسف است. که از موسی خواستند ارث پدرشان را به آنها بدهد. (نگا: کتاب العدد الاصحاح، ۱۹۸۴).

از متن سفر مسمی معلوم می‌شود که دلایل نظام ارثی در میان یهودیان عبارتند از:

۱. ازدواج و فرزند و پدری و برادری و عموی پدری بدون اینکه فرقی بین ورثه فرزند زنا زاده باشد و یا با عقد صحیح متولد شده باشد (نگا: المیراث فی الشریعه الإسلامیه ص: ۹۷).

۲. زن از ترس انتقال ترکه به غیر از خانواده از شوهر ارث نمی‌برد و تا زمانی که بیوه است حق دارد از ترکه امرار معاش کند، بر خلاف شوهر که تنها وارث زن است.

۳. تقسیم بین فرزندان مساوی نیست بلکه پسر اول رجحان دارد و دوبرابر برادر کوچکتر ارث می‌برد، پسر میت بدون درجاتش جای او را می‌گیرد. پس از آن دختران هزینه مراقبت، تربیت، نگهداری و ارزش جهیزیه خود را در زمان ازدواج خواهند داشت.

۴. پدری و برادری و عمومی پدری به ترتیب بعد از فرزندان، ارث می‌برند. اگر پدر در قید حیات باشد، برادران متوفی ارث نمی‌برند و به همین ترتیب اگر برادر و فرزندان متوفی در قید حیات باشند، عمو ارث نمی‌برد.

۵. اگر کسی بدون وجود پدر و مادر و فروع و حواشی خود بمیرد، اموال او به کسی می‌رسد که قبل از همه ترکه را در اختیار گرفته است. مشروط به این که به مدت سه سال نزد او بماند و پس از پایان این مدت می‌تواند از آن استفاده نماید.

۶. پسر از مادر ارث می‌برد، نه بالعکس. برادران مادری ارث نمی‌برند و از همدیگر هم ارث نمی‌برند.

سهم زنان: اگر زنان با مردان در میان ورثه باشند، ارث نمی‌برند و اگر تنها خودشان باشند، هزینه زندگی برای دختران کوچک تا زمانی که به بلوغ می‌رسند، از ترکه تأمین می‌شود، پس از آن به طور مساوی در میانشان تقسیم می‌شود. (ر.ک: صابر، ۱۳۸۳ هـ ص ۱۸۴-۱۸۵)، و (قنديل، ۱۳۸۷ هـ ص ۱۲۸-۱۴۱)، و (احمد عبدالوهاب، بی تا ص ۱۷۱).

موانع ارث برای آنها محدود به قتل، ضرب و شتم خونین و ارتداد از یهودیت است. اگر مشرکی به یهودیت گروید، از بستگان بت پرست خود ارث می‌برد و بالعکس (ر.ک.: ترجمه متن میشنه تلمود، ۱۳۸۷ هـ ۱۳۵/۴)، و (عهد عتیق، ص ۲۵)، و (دکتر رضوان محسن بی تا ص ۶)، سعیدی عبدالمعطل، بی تا ص ۱۰-۱۲).. دختر پدر خود را از ارث پسرش محروم می‌سازد، البته در صورتی که هیچ برادر یا فرزند کامل پسر متوفی وجود نداشته باشد. (قنديل، ۱۴۲۹ق ۲۰۰۸م، ص ۱۴۱).

دوم: ارث در میان مسیحیان. مسیحیت سیستم ارثی خاصی نداشت؛ زیرا اناجیل به مسائل معنوی و اخلاقی پرداخته است و توجهی به پرداختن به مسائل مالی نشان نداده است و کلیساها احکام را از قوانین تورات و قوانین رومی می‌گرفتند و برخی به دادگاه‌های کشورهای آن زمان می‌کردند استناد می‌کردند (نکاه: احمد ادریس، ۱۹۸۷، ص

(۶۱)، و (محمد شاهد، ۲۰۰۰، ص ۸).

۲-۱. ارث در آدیان غیر آسمانی (بودیسم و هندوئیسم).

بودیسم این فلسفه مرکب از جنبه های معنوی است، از احکام و قوانین تهی است و پیروانش به شریعت هندو متوسل می شوند و از نظر ارثی، تحت تأثیر قوانین دیگر قرار هستند. در آئین بودیسم به پسر اول زاده اولویت داده شده است و حتی مطلق مالکیت و ارث از آن اوست. به همین دلیل در قوانین آنها آمده است: فرزند بزرگ کسی است که از پدر و مادر ارث می برد و برادران و خواهرانش همگی تحت فرمان او زندگی می کنند، زیرا برادر بزرگ تر دارای مقام پدر است.

هر کس فرزند ذکور نداشته باشد از برادر شوهرش پسری بخواهد و او را به فرزندی قبول کند و او را وارث خود کند، پسر و زن و غلام صاحب چیزی نیستند و هر چه به دست می آورند مال نان آورشان است (نگا: ادیان الهند الکبری، ص ۷۱-۷۳).

۳-۱. میراث قبل از اسلام در شبه جزیره عرب

نظام ارثی در میان اعراب قبل از اسلام مبتنی بر دین و قانون نبود، بلکه کل فلسفه ارث، یک سنت تصادفی از پدرانشان بود و یکی پس از دیگری آن را به ارث برده بودند. جامعه و محیط فاسد بر آنها مسلط شده بود، جایی که قدرت و شجاعت وجود داشت، داشتن غنایم یکی از برجسته ترین جنبه های میراث آنها به شمار می رفت و این با ماهیت زندگی اجتماعی آنها سازگار بود و وسیله ای برای به دست آوردن پول از طریق تهاجم، یورش و دفاع از قبیله به شمار می رفت (سعیدی، ۱۹۳۴م، ص ۱۲) و (دکتور جواد، بی تا، ۱۰/۲۳۴)، (ابن عربی، بی تا، ص ۳۲۷). نابغه ذبیانی (یک از شعرای عرب بود) در شعری چنین سروده است:

گرگ ها به کسانی حمله می کنند که سگ ندارند*** و از صدای کسی که محافظ را صدا می کند می ترسند (دیوان ذبیانی، ۱۹۹۱م، ۲۰۲).

اسباب ارث نزد عرب پیش از اسلام در سه مورد خلاصه می شد: (نسب، فرزندخواندگی، سوگند).

و اما نسب، ناشی از خویشاوندی است و مختص پسر بزرگ است. اما اگر فرزندان جوان باشند یا وجود نداشته باشند، اموال به پدر می‌رسد، سپس به برادر متوفی، سپس به عموها، سپس به فرزندان او. در همه موارد بلوغ و شجاعت و قدرت و حمایت قبیله شرط است. (دکتر جواد، بی تا ۵/۵۶۲)، و قرطبی ۱۹۶۷ م: ۷/۷۹).

فرزند خواندگی نیز عبارت است از این که سرپرستی فرزند کسی دیگر را بر عهده بگیرد و از یکدیگر ارث بگیرند. این موضوع در جاهلیت رایج بود و مورد رضایت طرفین هم بود و شهودی هم برای تأکید رابطه‌ی جدید به صورت دو طرفه وجود داشت. (ر.ک: الحوفی ۱۹۵۴ م، بی تا ناشر: ص ۲)، و (هاشمی ۱۹۷۱ م، ص: ۱۷).

سبب دوم ارث در میان عرب پیش از اسلام، سوگند بود: امام فخرالدین رازی در مفاتیح الغیب آن را همراه با تبنی به عنوان یک سبب آورده است و نام آن را «عهد» نامیده است فخرالدین رازی، بی تا، ۷/۷۷). سوگند به معنای پیمانی در جاهلیت در میان دو مرد یا دو قبیله برای حمایت و یاری کردن یکدیگر بود. وجود رابطه خویشاوندی ضروری نبود و طرفین از یکدیگر ارث می‌بردند. این پیمان به این شکل اجرا می‌شد که یکی به دیگری می‌گفت:

«خون من خون تو، مرگ من مرگ تو، انتقام من انتقام تو، جنگ من جنگ تو، آشتی من آشتی تو است. من از تو ارث می‌برم و تو از من ارث می‌بری، تو در ازای من و من در ازای تو خواهم بود، تو به جای من زندانی و من به جای تو زندانی می‌شوم». بعد از این پیمان، طرف زنده از طرف مرده، یک ششم ترکه را به ارث می‌برد. (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱/۵۳۶)، قرطبی بی تا، ۸/۲۷۵)، و (منباجی ۱۴۱۴ق، ۲/۸۰۲)، و (بغاوی ۱۴۱۷ق: ۲/۲۰۶).

ارث مؤنث: تاریخ نگاران در مورد ارث زنان دو نظر دارند:

عده ای می‌گویند که در بعضی از قبایل به زنان هم ارث می‌دادند. عده ای دیگر هم معتقدند که زنان به طور کلی قبل از اسلام از گرفتن ارث محروم بودند. طرفداران رأی اول به دلایل زیر استناد می‌کنند:

۱. ضباعه دختر عامر پسر قرط، از شوهرش هوده پسر علی حنفی اموال زیادی را به

ارث گرفت و نزد قبیله خود برگشت. این نشان می دهد که همه ی زنان از ارث گرفتن محروم نبوده اند.

۲. عامر بن چشم در زمان حیات خود وصیت کرد که به ذکور به اندازه سهم دو مونث ارث بدهند. او به دختر خود هم نصف پسرانش ارث داد.

۳. اگر محرومیت زنان از ارث امری رایج و عمومی بود و در همه قبایل چنان می بود، باید ام کجه به محرومیت خود از ارث راضی می شد و هنگامی که برادران شوهرش همه تر که را بردند، نزد پیامبر شکایت نمی کرد. (ر.ک: مرزبانی ۱۴۱۵ق.ص. ۱۰۰، و(ابوجعفر بغدادی، ۱۳۶۱ق، ص ۲۳۶) علی جوادی: بی تا (۵/۵۶۲)، و ابن حزم الظاهری: ۱۹۸۳م، ص (۳۰۶).

آن دسته از مورخان هم که قائل به محرومیت عموم زنان از ارث بوده اند، چنین استدلال می کنند:

۱. عرب در زمان جاهلیت به محروم نمودن زنان از ارث اکتفا نمی کردند، بلکه حتی خود زنان را نیز بخشی از تر که می دانستند و مانند کالا و لوازم خانه آن را به ارث می بردند. امام بخاری در این رابطه چنین گفته است: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا ﴾ النساء ۱۹. از ابن عباس نقل است که: (عربها وقتی مردی فوت می کرد، اولیای او حق تصاحب زنش را داشتند، یا با او ازدواج می کردند و یا او را از ازدواج منع می کردند. در هر حال نسبت به خانواده اش اولویت بیشتری در تملک او داشتند. بخاری در صحیح: (۶/۴۴)، ج ۴۵۷۹.

همچنین عربها عادت داشتند، پس از آن که مورث فوت می کرد، وارث نزد همسر پدرش می آمد و پارچه ای روی او می انداخت و می گفت: تو را به ارث می برم، همانگونه که اموال پدرم را به ارث می برم. سپس اگر دوست داشت با او ازدواج می کرد و مهریه هم نمی پرداخت و در غیر این صورت او را به ازدواج کسی می داد و از او مهریه اش را می ستاند و یا این که او را از ازدواج نمودن به طور کلی محروم می کرد، تا بعد از مرگش ارثش را ببرد (نگا: نسفی بی تا، ۲۰۹/۱).

۲. مثل مشهوری نزد عرب هست که چنین است: «فقط کسانی از ما ارث می برند که

قادر به حمل شمشیر باشند». (محمد اسماعیل ۲۰۰۶ م، ۵۷/۲).

۳. بنا به گفته طبری «اهل جاهلیت پس از فوت به هیچ کس از ورثه که با دشمن نجنگیده بود و مانند کودکان و زنها در جنگها شرکت نکرده بود، چیزی نمی دادند، و ارث را مخصوص جنگجویان می دانستند، نه نسلی که از متوفی باقی مانده است» (طبری ۱۴۲۰هـ / ۳۱/۸).

۴. در داستان ام کجه که ورثه با تعجب در دفاع از خود به پیامبر گفتند: ای رسول خدا! زنان که سوار اسب نمی شوند و شمشیر حمل نمی کنند و با دشمنان نمی جنگند. (همان منبع قبلی، ۵۳۱/۸). این اسلوب تعجیبی دلیل این است که زنان قبل از اسلام هیچ سهمی نداشتند.

۵. ارث دادن به زنان نزد عربها رایج نبود؛ زیرا وقتی خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِي﴾ النساء ۱۱.

بعضی از اصحاب پیش خود گفتند: به زن یک چهارم و یک هشتم می دهیم و به دخترانمان نصف می دهیم و به پسران کوچک هم می دهیم، در حالی که هیچ یک از اینان به جنگ نمی روند و غنیمت به دست نمی آورند! در مورد این حدیث سکوت کنید، شاید رسول خدا آن را فراموش نماید، و یا از او بخواهیم که تغییرش دهد. ۸۰ از این روایت معلوم است که زنان قبل از اسلام از ارث محروم بوده اند.

۴-۱. نظام ارث در فکر مارکسیزمی

سوسیالیسم: سوسیالیستها کسانی هستند که به سوسیالیسم منسوب می باشند. سوسیالیسم در کل نظامی اجتماعی و سیاسی است که بر دو پایه مهم استوار است: ا. مالکیت عمومی وسایل تولید؛ که جزو ملک و دارایی دولت یا شرکت های تعاونی محسوب می شود.

ب. تقسیم ثروت بر حسب انرژی، عمل و تولید. (شرقاوی ۱۴۲۵هـ، ص: ۷).

اما در مورد مارکسیسم یا کمونیسم باید بگوئیم که ایده ای است که بر پایه اتحاد و خداستیزی استوار است و اینکه ماده، اساس همه چیز است و دین به مثابه تریاک ملتها می باشد. آنان، مردم را به تغییر دادن ارزشهای معنوی و آرمانی و آداب و رسوم و مفاهیم

اخلاقی دعوت می کنند. آنان به مردم می گویند که هیچ آفریدگاری وجود ندارد (شعبی ۱۴۲۰هـ / ۱ / ۵). با این اندیشه، کارل مارکس یهودی است. او الحاد و خداستیزی را از فیلسوفان مادی گرا برگرفت و اندیشه عدالت سوسیالیستی را از سان سیمون فرانسوی. افلاطون این اندیشه را در کتاب جمهوری نقل کرد. و گفته: بهترین چیز آن است که مردم بدون کینه زندگی کنند. لذا ازدواج و اموال به صورت همگانی در آمده و سیاسی ها و سربازان هیچ چیزی را نمی توانند در اختیار بگیرند (نگاه: حوالی، ص: ۹۹۶).

بعضی از مردم بر این باورند که سوسیالیسم و کمونیسم دو روی یک سکه هستند. حال آنکه برخی دیگر معتقدند که سوسیالیسم گام اول برای کمونیسم است و سوسیالیسم مانع برپایی حکومتی از طبقه کارگر و کشاورز نمی شود بر خلاف کمونیسم واقعی که هیچ حکومتی را جایز نمی داند و هیچ ملکیتی را روا نمی دارد. اما سوسیالیسم اینگونه نیست و بعضی از مالکیت های فردی را در محدوده ای تنگ و براساس قواعدی که در نهایت به این مالکیت ها می انجامد می پذیرد و جایز می داند (نگاه: حمد ۱۴۳۳هـ ص ۶۷_۶۸).

تفاوت میان سوسیالیسم و سرمایه داری این است که اولی، قانون ارث برای خویشاوندان را به رسمیت نمی شناسد، حال آنکه سرمایه داری، زمینه را برای انسان فراهم کرد که مال خویش را پس از مرگش به هر کس که بخواهد وصیت کند. لذا افرادی نمایان شدند که مال خویش را بر سنگ خویش یا گربه خویش یا معشوقه خویش وقف نمودند و خویشان خود را از آن محروم کردند. در کل میان این دو، تفاوت بزرگ و اساسی نیست؛ چون انسان در هر دو، در مقابل قدرت ماده و قدرت اقتصاد، منفعل و بی اراده است، (نگاه: محمد قطب، ۱۹۸۹م، ص: ۲۱۲).

مارکس معتقد بود که اقتصاد آزاد به تراکم انباشتگی ثروت همراه با خرج کردن بی رویه و بدون اندیشه آن منجر می شود. این کار فقر و بینوایی را در بین انسان ها گسترش می دهد. بر این اساس، دیدگاه سوسیالیسم کمونیستی و سرمایه داری و مارکسیستی برگرفته از باور و فلسفه پوچ مزدکی است که مردم را در هوا، مرتع وزن شریک هم می داند.

بر این اساس، قانون ارث دهی و قانون تقسیم میراث در این نظام محلی از اعراب ندارد،

چون اصل ارث، با آزادی اقتصادی منافات دارد. همان آزادی که می‌خواهد مردم به صورت مساوی به دنیا بیایند و بدون امتیازهای طبیعی کسی بر دیگری برتر نباشد(نگاه: صعیدی ۱۳۵۲هـ، ص ۲۳-۲۴).

۲. فلسفه میراث در اسلام و تاثیر آتش و انتقاد ملحدان از نظام ارث اسلامی و پاسخ‌ها

پژوهشگر در این فصل به بیان فلسفه میراث و چگونگی تعامل اسلام به عنوان یک دین حنیف آسمانی با آن را مورد بررسی قرار داده است و به بارزترین انتقادات خاورشناسان اشاره نموده و در دو مطلب به دفع آنها پرداخته است:

۲-۱. فلسفه میراث در اسلام

سیستم ارث در اسلام، فلسفه ای متغیر با سیستم های دیگر امتهای پیشین است. این سیستم بر مبنای نکات زیر استوار است:

۱. واضح و بانی آن، خداوند آگاه و کاردان در کتابش است. همان کتابی که باطل به هیچ وجهی بدان ره نتواند یافت، چون از طرف خدای صاحب حکمت و مدبر برای بندگانش نازل شده و منافع آن را در آن گنجانده است.

۲. فلسفه میراث در اسلام بر مبنای عدالت گستره استوار است نه آن مساواتی که بعضی‌ها از روی حماقت و کودنی آن را ادعا می‌کنند.

۳. فلسفه میراث اسلامی کوشیده نزاع و کشمکش میان وارثان را از بین ببرد و اجازه ندهد میراث دستخوش افکار و امیال مردم گشته تا به بعضی‌ها کم کنند. زیرا این کار باعث شعله ور شدن آتش دشمنی در میان آنها می‌شود.

۴. صیانت از قدرت پیوندهای خانوادگی با رعایت عدالت قبل از مساوات میان افراد آن.

۵. جلوگیری از عواملی که منجر به تیره و ضعیف شدن این روابط می‌گردد، به همین علت وصیت به سود وراث را منع کرده و قاتل را از میراث مقتول حجب و منع کرده و با این کار احساسات دیگران را مراعات نموده و اندیشه قتل مورث را از ذهن وارث دور

می کند.

۶. اهتمام و کوشش برای رساندن حق به صاحبش؛ اسلام حکم داده که ترکه میت میان بزرگترین و پرجمعیت ترین ورثه ها تقسیم گردد. این یکی از تفاوت های بنیادین میان اسلام و دیگر فلسفه هاست که دیرزمانی است افراد قوی را مقدم داشته و افراد ضعیف را از ارث گیری منع نموده اند یا وصیتی ظالمانه را تایید کرده اند که به نفع بیگانه ها یا سگ ها و گربه ها و غیر اینها از حیوانات خانگی است.

۷. فلسفه اسلامی، مال و دارایی را در دایره خانواده خلاصه و منحصر نموده و برای توریث و ارث دهی لازم دانسته که یکی از اسباب ارث فراهم باشد. اسباب ارث یا داشتن نسبت صحیح با میت است یا داشتن رابطه زناشویی است یا سرپرستی (آزاد کردن برده). بر این اساس، ثمره نکاح فاسد و باطل و کودکی که به فرزندى قبول شده، ارث نمی گیرد. بر این پایه، اسلام، نزدیکی را در کسی دانسته که به میت نزدیکتر است. این موضوع به کلی با شریعت یهودیان مخالف است؛ زیرا این شریعت به کودک حرامزاده و پسرخوانده سهم ارث عطا می کند و نکاح را به عنوان یکی از اسباب ارث، برای زوجه، منع می کند. حتی اگر فردی به صورت مقطوع النسل بمیرد، بعضی از فقها جایز نمی دانند که میراث او به بیت المال داده شود. علمای امامیه (محقق حلی، ۱۳۹۸هـ/۲۶/۴) و حنفی (ابن قدامه مقدسی، ۱۴۱۷هـ/۸۳/۷). و حنبلی (نگاه: ابن عابدین، ۱۴۲۱هـ/۵۰۴/۵)، و زیدی (نگاه: بزار ۱۹۸۸م، ۳۵۲/۶) از این دسته هستند.

۸. فلسفه میراث در اسلام حد و سط کمونیسیم سوسیالیستی و نظام سرمایه داری است. اولی توسط کارل مارکس یهودی بنیاد نهاده شده که ویرانگر همه باورهای صحیح است. او انتقال مال از راه ارث را رد کرد و ادعا نمود که این امر با عدالت منافات دارد. علاوه بر این در نظام سرمایه داری هم فرد دارای آزادی مطلق در تصرف است و هر کس از خویشانش را که بخواهد از ارث منع و محروم می کند و می تواند به حیوانات و غریبه ها و خادمان و بیگانگان وصیت کند. حال آنکه اسلام پاک، حد وسط را گرفته و توارث در اسلام جبری است و اختیاری نیست و آزادی مسلمان در این عرصه مقید و محدود است.

۹. یکی از شاهکارهای فلسفه اسلامی حفاظت از حق جنین و قرار دادن او همانند برادر

بزرگترش است، گرچه عمرش یک روز باشد؛ زیرا جنین جزو نسلهایی است که به استقبال زندگی می‌رود. گاهی سهم بیشتری برای آن از نسلهایی که به زندگی پشت می‌کنند (و پیر می‌شوند) در نظر می‌گیرد. اسلام، میان فرزندان مساوات برقرار نموده و در این راستا به فرزند نخست بودن و غیره وقعی ننهاده است. (طوسی، بی تا، ۱۸۷/۱)

۱۰. نظام میراث اسلامی حقوق مربوط به ترکه میت را پاس داشته است. برخی از این حقوق عبارتند از تامین هزینه کفن و دفن مرده و پرداخت قرض‌های وی. این کار به منظور آرام بخشی به طلبکار و سبک کردن حساب بدهکار در آخرت است. بعضی از مالکی (نگاه: خطاب، ۱۴۱۲هـ / ۸ / ۵۸۰) و شافعی (نگاه: شربینی، ۱۴۱۵هـ / ۳ / ۳)، و بعضی از علمای حنفی (زحیلی، ۱۴۰۵هـ / ۱۰ / ۷۷۲۹). و ظاهری (نگاه: ابن حزم ظاهری، بی تا، ۹ / ۲۵۳، ۲۵۴) در اهتمام به این امر مبالغه نموده و بازپرداخت بدهی مرده را بر تامین هزینه تکفین و دفن او مقدم داشته‌اند، اما به اعتقاد امامیه، بازپرداخت پس از دفن اموات صورت می‌گیرد (نگاه: طوسی، بی تا، ۱۸۸/۱).

۱۱. این نظام، سهم وارثان مستحق ارث‌گیری را از لابلای فروض ششگانه معین شده در قرآن کریم، بیان نمود و اساس نزدیکترین فرد به مرده و نیازمندترین فرد به مال را معیاری برای برتری بخشی میان وارثان قرار داده است.

۱۲. تعلیف و مسئولیت مالی، هرگاه درجه قرابت و خویشاوندی و جایگاه نسل وارثان با هم برابر شود، تفاوت در سهام‌های مستحق به اندازه تفاوت مسئولیت‌های مالی افکنده شده بر دوش وارثان خواهد بود.

۲-۲. تاثیر های نظام میراث اسلامی

از آنجا که علم فرائض برآیند معیارها و موازین اسلامی است و بانی آن آفریدگار کاردان است، نظام مندی موجود در آن مورد توجه بسیاری از خاورشناسان و دانشمندان و قاضی‌های غربی قرار گرفته است. تاثیرات این نظام از چند جنبه بوده از جمله:

أ. تاثیر اقتصادی: نظام میراث اسلامی دارای آثار بسیار با اهمیتی از جنبه اقتصادی و توسعه مالی می‌باشد. این مهم به طور واضح به هنگام تقسیم عادلانه آشکار است. اقتصاددان مشهور آمریکایی (کینیت بولدینگ) به وضوح تاثیرات میراث اسلامی را بر

توسعه اقتصادی ناشی از اعاده تقسیم میراث بیان نموده و گفته: «اگر جامعه ای را در نظر آوریم که مثلاً عمر مورد انتظار در آن ۷۰ سال است و به طور مساوی، تفاوت میان عمرهای مختلف، تقسیم می شود. در واقع ۱/۷۰ ثروت هر ساله از طریق مرگ و ارث منتقل می شود. اگر کارگاههای درآمد تا سرمایه قریب به (۳) باشند؛ ثروت انتقال یافته از طریق ارث، نزدیک به (۷/۲) یعنی تقریباً چهار درصد از درآمد سالیانه را تولید می کند. و از آنجا که پا به سن گذاشته ها از جوانان بی نیاز تر و توانگرتر هستند، این نسبت فراهم آمده و حتی چه بسا به (۸-۱٪) برسد (زرقاء، ۱۴۴۰هـ، ۲/۲۱).

ب. تاثیر اعتقادی: کشیش جهانی و کاردینال سابق (اشوک مولن) است. یک او بزرگترین کشیشی در کلیسای اسقفیه خرطوم بود، پس از مقایسه اسلام با ادیان دیگر، در سال ۲۰۰۲ میلادی مسلمان شد. او از تناقضات موجود در این ادیان پرده برداشت و در مورد ثوابت اسلام سخن گفت و تاکید کرد که: قانون تقسیم ارث در اسلام مرا شگفت زده کرد. میراث در آیین یهودیت موجود است. اما به صورت ناپسند و ناعادلانه، میراث اصلاً در مسیحیت وجود ندارد اما می بینیم که اسلام، با دقت و عدالت خواهی بی سابقه ای به آن پرداخته، تا جایی که قبیله دنیکا که قبیله من است قانون میراث اسلامی را پیاده نموده و این کار به همه مشکلات و کشمکش های دیرینه اش پایان داده است (مجله المجتمع الإسلامیة الکویتیة، ش: ۱۶۲۹). در حالی که ۱۵ هزار نفر او مسلمان شده و از رهبران کلیسا و بیشتر از ۲۵۰۰ نفر از و کشیش ها مسلمان شده است (startimes.com). ۹_۶_۲۰۲۱).

دیگری استادی در قانون یهودی است او با استادی مصری مسلمان که در یکی از دانشگاه های آمریکا تدریس می کرد، مناقشه نموده، می گوید ما در یکی از واحدهای (ساختمان) قانون بودیم و یکی از اساتید قانون یهودی با ما همراه بود او شروع به سخن گفتن و اعتراض گرفتن از اسلام و مسلمانان کرد. خواستم او را ساکت کنم لذا از او پرسیدم: آیا می دانی حجم قانون میراث در قانون اساسی آمریکا چقدر است؟ گفت: آری، بیشتر از هشت جلد است. گفتم اگر قانون ارثی را برای تو بیاورم که از ده سطر بیشتر نیست آنوقت باور می کنی که اسلامی دین صحیح است؟ گفت: چنین چیزی امکان ندارد. آنگاه

آیات مربوط به میراث را از قرآن کریم برای او آوردم و به او ارائه نمودم. پس از چند روز پیش من آمد و گفت: عقل بشری نمی‌تواند همه این روابط را با این شمولیت و همه‌جانبه‌گرایی حساب کند و کسی را از قلم بیندازد، سپس بیاید و با این عدالت، میراث را بر آنان تقسیم کند. عدالتی که به هیچ کس ظلم نمی‌کند سپس آن مرد مسلمان شد (خمیس کمال جزره، ۱۴۳۱ هـ ص ۱۴۸).

۳-۲. انتقاد ملحدان و حامیان آنها از نظام ارث اسلامی و پاسخ‌ها

پاسخ به شبهه افکنی‌های منتقدان (مغرض): نظام میراث اسلامی تفاوت‌های فطری و طبیعی میان مرد و زن را در نظر گرفته است. توجه به این تفاوت‌ها، باعث شده که یک اختلاف اساسی و برتری سهم بعضی از ورثه‌ها بر برخی دیگر پیش بیاید. از این رو، دشمنان و بدخواهان اسلام، در این خصوص زبان به ایراد و اعتراض گشوده و فقها به آن‌ها پاسخ داده‌اند.

هجمه‌ها و حملات تند آن‌ها بر این گفته خداوند متعال: «لذکر مثل حظ الأنثیین». غربی‌ها پس از هزاران سال از خواب برخاسته و مدعی‌اند که باید حقوق زن پرداخت و با مرد برابر تلقی گردد. آنان می‌گویند: زن از حقوق خود محروم شده و اسلام نه تنها او را سبک‌شمرد که او را نصف انسان قرار داده و غربی‌ها این‌ها و دیگر شبهات مسموم خویش را به دهن مردم القاء می‌کنند. قبل از اینکه به این افراد پاسخ دهیم که برای زن اشک تمساح ریخته و به اصطلاح دایه دلسوزتر از مادر شده‌اند، باید بدانیم که آنان چگونه زنان را با دید یک کالای لذت‌آمیز نگریده و با این دیدگاه او را تحقیر و خوار نموده و بدانیم که در فراسوی ادعایشان، حقیقت زنان غربی چیست و چگونه آن‌ها را از نفقه محروم کرده و به انجام کارهای سخت و طاقت‌فرسا در شرکت‌ها، کارخانه‌ها و مغازه‌ها وادار کرده‌اند و آنان را در معرض آسیب‌رسانی جسمی و جنسی قرار داده‌اند؟ (صلاح الدین ۱۹۹۹ م ص ۱۰).

۱. پای در میدان نقد و اعتراض نهاده و قرآن کریم را نشانه می‌گیرند و می‌گویند: چگونه جنس نر، همانند سهم دو جنس ماده ارث می‌برد؟ سپس به ارائه بیانه‌هایی در مورد مساوات و یکسان‌نگری روی می‌آورند باقی نگذاشته و نمی‌تواند ازدواج کنند مگر اینکه

مال داشته باشند. پیامبر (ص) فرمود: در این مورد خداوند حکم صادر می کند. راوی می گوید: آنگاه آیه میراث نازل شده است، آنگاه پیامبر (ص) دنبال عمومی آن دخترها فرستاده آن عمو پیش پیامبر (ص) آمده، پیامبر (ص) به او گفت: به دختران سعد دو سوم میراث، و به مادرشان یک هشتم را بده و مابقی را برای خودت بردار (روایت أحمد، مسند، ش ح (۱۴۷۹۸)).

۲. اینکه جنس نر همانند جنس ماده را می گیرد فقط در حالت تعصیب با کسانی است که در درجه آنان زنان هستند:

منتقدان فقط این حالت را می بینند. اما حالات دیگر را فراموش کرده و از روی نادانی و یا تجاهل به آن ها توجهی نکرده اند.

حالت های میراث زن:

أ- فقط در چهار حالت است که زن نصف مرد ارث می گیرد.

ب- چندین حالت در برابر این چهار حالت وجود دارد که زن در آن ها همانند سهم کامل مرد ارث می برد.

ت- ده حالت یا بیشتر وجود دارد که در آن ها زن بیشتر از مرد ارث می برد.

ث- حالت هایی هم هستند که در آن ها زن ارث می برد.

و همسان او از مردها، ارث نمی برد. یعنی بیشتر از ۳ حالت وجود دارد که در آن ها زن همانند مرد یا بیشتر از او سهم ارث دریافت می کند یا اینکه او ارث می برد اما همسان او از مردها، ارث نمی برد. این ها همه در مقابل چهار حالت مشخصی است که زن در آن ها، نصف مرد ارث می گیرد (صلاح الدین ۱۹۹۹ م ص ۱۱)..

جزئیات مربوط به این موضوع در بسیاری از کتاب ها و پایان نامه ها موجود است.

۳. شخص مُنصف وقتی در این مساله تعمق کند، می بیند که زن حق خود و حق مرد را همزمان با هم بر میدارد چون آنچه که مرد می گیرد، برای زن و فرزندانش خرج می کند.

چهارم: تفاوت در سهم آن دو محدود و مقید به جنس نیست بلکه به بسیاری از نیازهای مرد بر می گردد، همان گونه که ابن کثیر بیان داشته و گفته: (میان این دو صنف) تفاوت قرار داده شده و برای نر، همانند سهم و بهره دو ماده قرار داده شده است؛ زیرا مرد مکلف

است که نفقه و هزینه زندگی را تامین کند و سختی‌های تجارت و کسب و کار را تحمل کند و مشقت‌های آن را به جان بخرد. لذا مناسب است که دو برابر سهمی که زن می‌گیرد به او داده شود) (ابن کثیر، ۱۴۱۹هـ/ ۲۰۰۰م).

هر کس که خانه‌اش شیشه‌ای باشد، برای او مایه ننگ است که به خانه مردم سنگ پرتاب کند. زن فرانسوی که تا سال ۱۹۴۲ حق نداشت که برای باز پس‌گیری مال خویش به دادگاه شکایت کند و حق نداشت بدون اجازه کتبی شوهرش معامله و قراردادی انجام دهد و امضا کند (ماده ۲۱۷ قانون فرانسه قبل از اینکه در سال ۱۹۴۲ اصلاح شود).

بدینسان خداوند متعال مساوات را به وسیله عدالت محقق نموده، در حالی که قوانین قراردادی غربی و رهروان شرقیشان، محقق‌سازی عدالت را از کانال مساوات و یکسان‌نگری خواسته‌اند. حال آنکه این اشتباهی آشکار است؛ چون میان عدالت و مساوات تفاوت بزرگی وجود دارد و گاهی اگر مساوات قبل از عدالت محقق شود، ظلم و ستمی در حق دیگران خواهد بود و شاید این تصویر تفاوت این دو را نشان دهد:



بسیاری از مردم مفهوم عدالت و مساوات را با هم در می‌آمیزند. برای روشن شدن تفاوت آن دو، باید با دقت به این عکس نگاه کنیم. مساوات گاهی وقت‌ها موجب ظلم است به همین خاطر است که در قرآن کریم این گفته خداوند عز و جل را می‌خوانیم: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ) (سورت النحل: آیه ۹۰). خداوند به عدالت و مهربانی فرمان می‌دهد.

نتیجه گیری

علم ارث علم مهمی است و اسلام به آن توجه زیادی دارد.

۱. هنگامی که خداوند تورات و انجیل را نازل کرد، از باطل و ظلم پاک بود، جز این که حاخام ها و راهبان آن را تغییر دادند و پر از دروغ کردند و به زنان ظلم بسیار کردند.

۲. بودیسم به جنبه معنوی توجه داشت، بنابراین آنها از قوانین هندو برای حل مشکلات توزیع ارث استفاده کردند.

۳. این قانون به مردان اختیار مطلق می داد و زنان را از حق ارث بردن اموال خویشاوندان خود محروم می کرد.

۴. سوسیالیسم: سوسیالیستها کسانی هستند که به سوسیالیسم منسوب می باشند. سوسیالیسم در کل نظامی اجتماعی و سیاسی است که بر دو پایه مهم استوار است:

أ- مالکیت عمومی وسایل تولید؛ که جزو ملک و دارایی دولت یا شرکت های تعاونی محسوب می شود.

ب- تقسیم ثروت بر حسب انرژی، عمل و تولید.

۵. نظام ارثی در میان اعراب قبل از اسلام تصادفی از پدرانشان بود، و اسباب ارث این زمان در سه مورد خلاصه می شد: (نسب، فرزندخواندگی، سوگند)، اما نسب، ناشی از خویشاوندی است و مختص پسر بزرگ است. اگر فرزندان جوان باشند یا وجود نداشته باشند، اموال به زنها منتقل نمی شود. در همه موارد بلوغ و شجاعت و قدرت و حمایت قبیله شرط است، مقصود از همه اینها، محرومیت زن از ارث است.

۶. مال و دارایی در فلسفه اسلامی را در دایره خانواده خلاصه و منحصر نموده و برای توریث و ارث دهی لازم دانسته که یکی از اسباب ارث فراهم باشد. بر این اساس، ثمره نکاح فاسد و باطل و کودکی که به فرزند قبول شده، ارث نمی گیرد. بر این پایه، اسلام، نزدیکی را در کسی دانسته که به میت نزدیکتر است.

۷. در شریعت اسلام اهتمام و کوشش برای رساندن حق به صاحبش یکی از مهمترین موضوعات است؛ اسلام حکم داده که ترکه میت میان بزرگترین و پرجمعیت ترین ورثه ها تقسیم گردد.

۸. عادلانه بودن ارث در اسلام دلیلی بر مسلمان شدن بسیاری از خاورشناسان است، بسیاری از داوران آنها او را تحسین می کردند. اول و آخر خدا را شکر

فهرست منابع

* قران کریم؛ ترجمه آیت الله مکارم شیرازی

۱. ابن حزم ظاهری علی بن أحمد، (بی تا) المحلی بالآثار، دار فکر - بیروت.
۲. ابن عابدین، (۱۴۲۱هـ)، حاشیة رد المختار، دار الفکر، بیروت، لبنان.
۳. ابن کثیر إسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹هـ تفسیر القرآن العظیم، محقق: محمد حسین شمس الدین: دار کتب علمیه، بیروت.
۴. أبوخلیل نایف بن محمد، (بی تا)، أحكام الإرث فی الإسلام والقانون الإنجلیزی دراسة مقارنة، بی ناشر.
۵. أحمد بن حنبل، (۱۴۲۰هـ)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، محقق: شعيب الأرنؤوط وديكران، مؤسسه رساله، چ ۲.
۶. بزار أبو بكر أحمد بن عمرو، ۱۹۸۸م، مسند البزار، البحر الزخار، محقق، محفوظ الرحمن زين الله وديكران.
۷. جمال بن محمد محمود، (بی تا)، البيان فی فضل الإسلام، دار کتب علمیه، بیروت لبنان.
۸. جوستاف لوبون، (۲۰۱۲م)، حضارة العرب، ترجمه عادل زعیتر، مؤسسه هنداووی، قاهره - مصر.
۹. الحر العاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۰هـ)، وسائل الشیعة، قم - ایران، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
۱۰. خطاب شمس الدین محمد، (۱۴۱۲هـ)، مواهب الجلیل، دار فکر، بیروت.
۱۱. حمد عبدالقادر شعیبه، (۱۴۳۳هـ)، أضواء علی المذاهب الهدامه، ریاض، عربستان سعودیه.
۱۲. حوالی سفر بن عبد الرحمن، (بی تا)، شرح العقیده الطحاویة، بی ناشر.
۱۳. خمیس کمال جزرة، (۱۴۳۱هـ)، نفحات فی إعجاز القرآن الکریم البیانی، جامعه اردنیة..
۱۴. خیر الدین الزرکلی، (۲۰۰۲م)، الأعلام، دار العلم، چ ۱۵.

۱۵. زحیلی، (۱۴۰۵هـ)، الفقه الإسلامی وأدلته، دار فکر بیروت، ج ۲.
۱۶. شربینی محمد بن أحمد، (۱۴۱۵هـ)، مغنی المحتاج، دار کتب علمیه، بیروت.
۱۷. شرفاوی أحمد بن محمد، (۱۴۲۵هـ)، نظریه الوحدة الموضوعیه للقرآن من خلال کتاب الأساس فی التفسیر، بی چاپ.
۱۸. شعیبی حمود بن عقلاء، (۱۴۲۰هـ)، القول المختار فی حکم الاستعانة بالكفار، بی چاپ.
۱۹. صعیدی، (۱۳۵۲هـ)، المیراث فی الشریعة الإسلامیة والشرائع السماویة والوضعیة، مطبعه محمودیه، مصر.
۲۰. صلاح الدین سلطان (۱۹۹۹ م)، میراث المرأة وقضية المساواة، دار نهضة مصر.
۲۱. الطوسی، محمد بن الحسن، (بی تا)، المبسوط، تهران - ایران، مکتبه مرتضویه.
۲۲. عمرانی أبو الحسین یحیی، (۱۴۲۱هـ)، البیان فی مذهب الإمام الشافعی، محقق: قاسم محمد النوری، دار منهاج - جده، عربستان سعودیه.
۲۳. کشناوی أبو بکر بن حسن، (بی تا)، أسهل المدارك، دار فکر، بیروت - لبنان، ج ۲.
۲۴. محقق حلّی ابو قاسم نجم دین جعفر (۱۳۹۸هـ): شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام: مکتبه آداب، نجف اشرف.
۲۵. محمد قطب، (۱۹۸۹م)، شبهات حول الإسلام، دار شروق قاهره، بی چاپ.
۲۶. میرزا محمد حسین، (۱۹۴۶م)، الإسلام والاشتراکیة، مؤسسه مصریه، قاهره.

<https://philospaper.wordpress.com>

<https://www.raialyoum.com>

<https://www.aljazeera.net/encyclopedia>

tarafdari.com